

بعضی دیگر تاریخ سررسید و بعضی دیگر تاریخ مطالبه از طریق دادخواست یا اظهارنامه را مورد حکم قرار می‌دهند، موضوع مذکور جهت نقد و بحث و تبادل نظر انتخاب گردیده است.»

آرای دادگاه‌ها:

دادنامه: ۱۶۰۷/۳۰۲۲۰۳۰۹۹۷۰۹۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

رأی دادگاه بدوی

درخصوص دادخواست شرکت ب. با وکالت آقای الف. به طرفیت ش. به خواسته محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۱/۱۷۱/۴۱۹/۰۰۰ ریال به انضمام هزینه های دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۸۹/۸/۱ لغایت اجرای [رأی] و حق الوکاله وکیل دادگاه با التفات به محتویات پرونده رونوشت مصدق مدارک خواهان و نظر به اینکه از ناحیه خواننده نسبت به دعوی مطروحه، ایراد و تعرضی به عمل نیامده و دفاع خواننده درخصوص خسارت تأخیر تأدیه نیز وارد نمی باشد و دلیلی برخلاف ادعای خواهان احراز و اقامه نگردیده است، علی هذا دادگاه دعوی خواهان را محمول بر صحت و ثابت تشخیص و مستنداً به مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور مدنی، حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۱/۱۷۱/۴۱۹/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته به انضمام هزینه دادرسی به مبلغ ۲۳/۵۴۴/۰۰۰ ریال و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱ لغایت زمان اجرای حکم در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد. رأی دادگاه، حضوری بوده و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران است.

رئیس شعبه ۲۴ دادگاه عمومی تهران
مردانی

رأی دادگاه تجدیدنظر

تجدیدنظرخواهی ش. نسبت به آن قسمت از دادنامه شماره ۵۶۴ مورخ ۹۴/۶/۲۵ صادره از شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن

گزارش نشست نقد رأی:

مبدأ احتساب خسارت تأخیر تأدیه

حمیدرضا نجفی*

سیزدهمین جلسه نقد رأی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران روز ۲۳ دی ماه ۱۳۹۳ با حضور جمعی از قضات محترم دادگاه تجدیدنظر استان تهران و آقای دکتر احمدبیگی، مشاور رئیس قوه قضاییه، در سالن ولایت دادگستری استان تهران برگزار شد.

در ابتدای جلسه، آقای اهواری، معاون قضایی رئیس کل و جانشین سرپرست دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران به طرح بحث در این خصوص پرداخت: «شعبه ۴۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در رسیدگی به دعوی مطالبه، خواننده را به پرداخت اصل خواسته و خسارت تأخیر تأدیه تا اجرای رأی به استناد ماده ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی محکوم می‌نماید. با تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به شرح دادنامه ۱۶۰۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ تجدیدنظرخواهی را در رابطه با تاریخ محکومیت به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه، موجه تشخیص و با توجه به زمان تقدیم دادخواست ۱۳۹۱/۱/۲۶، دادنامه را از حیث مذکور نقض و اصلاح می‌نماید.

لذا با توجه به اینکه درخصوص ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی از حیث زمان محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در آرای همکاران محترم اختلاف ملاحظه می‌گردد، به این شرح که بعضاً تاریخ استقرار دین و

* پژوهشگر و مسئول دفتر ارتباطات و همکاری‌های علمی پژوهشگاه قوه قضاییه.

پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۸۹/۸/۱ تا زمان اجرای حکم محکوم شده است وارد و موجه می‌باشد، زیرا براساس قانون، محکوم‌علیه به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه داین محکوم می‌شود و تاریخ مطالبه در این پرونده، تاریخ تقدیم دادخواست می‌باشد (۹۱/۱/۲۶) و تجدیدنظر خوانده مدرکی دال بر مطالبه سابق بر آن ارائه نکرده است، لذا دادگاه با پذیرش تجدیدنظرخواهی در این قسمت با نقض تاریخ محاسبه خسارت تأدیه، تاریخ آن را ۹۱/۱/۲۶ اعلام می‌کند. تجدیدنظرخواهی در مورد عدم استحقاق خسارت وارد نمی‌باشد و مستنداً به ماده ۳۵۸ مردود اعلام می‌شود. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه ذکایی - حمیدی

نظرات حضار در جلسه نقد رأی:

آقای فرهاد مرادی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

در رأی صادره دو نکته مبهم وجود دارد:

- ۱- مبنا یا منشاء دعوایی که منتهی به رأی دادگاه بدوی شده، معلوم نیست و تنها در صدر رأی به‌طور خلاصه آمده: «با توجه به رونوشت مصدق مدارک خواهان».
- ۲- در رأی دادگاه بدوی، مبدأ احتساب خسارت تأخیر تأدیه تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱ قید شده که دلیل آن معلوم نیست. دادگاه تجدیدنظر هم به این قضیه متعرض نشده و در رأی خود تاریخ جدیدی (۱۳۹۱/۱/۲۶) را به عنوان تاریخ اقامه دعوا در نظر گرفته که دلیل آن مشخص نیست.

«خسارت تأخیر تأدیه» ضرر و زیانی است که در اثر تعلل یا تقصیر شخص مدیون از تأدیه به‌موقع دین نسبت به داین ایجاد می‌شود. با توجه به اینکه پول، یک کالای اعتباری است ارزش و قدرت خرید آن به میزان تورمی که در جامعه وجود دارد، به مرور کاهش می‌یابد. بنابراین لازم است شخص مدیونی که از تأدیه دین در تاریخ مقرر خودداری کرده، به پرداخت خسارت وارد به داین محکوم شود.

در قانون آ.د.م سابق از ماده ۷۱۹ تا ۷۲۶ بحث خسارت تأخیر تأدیه در یک فصل جداگانه مشخص شده بود که حسب مورد از تاریخ توافق طرفین، تاریخ ابلاغ اظهارنامه، تاریخ اقامه دعوا و تاریخ صدور رأی دادگاه بدوی (در مواردی که دعوا با شهادت شهود یا با امارات اثبات می‌شود) در نظر گرفته می‌شد. در قانون آ.د.م جدید، آن نظم و انسجام دیده نمی‌شود، اما قضات در عمل از همان مبنا و ملاکی که در قانون قدیم بود استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه، براساس نظر تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام ذیل تبصره ماده ۲ قانون صدور چک، باید تاریخ سررسید چک را مبنای احتساب خسارت تأخیر تأدیه در نظر بگیریم. سؤال: اگر چکی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان و به تاریخ مشخص صادر شد و دارنده چک تا یک یا دو سال مطالبه نکرد، چه توجیهی دارد که دادگاه خسارت تأخیر را از تاریخ مندرج در چک در نظر بگیرد؟ مواد ۳۰۴، ۲۸۰، ۳۱۴ و ۳۱۵ قانون تجارت، دارنده سند تجاری را مکلف کرده که در تاریخ مقرر برای مطالبه اقدام کند و اگر در آن تاریخ پرداخت نشد، دارنده برای «واخواست» یا «گواهی عدم پرداخت چک» اقدام کند و گرنه در صورت تعلل یا قصور، به عنوان دارنده کاهل محسوب می‌شود. بر این اساس، آنچه در مطالبه سند تجاری اهمیت دارد، تاریخ مطالبه است و این تاریخ، نقطه شروع خسارت تأخیر تأدیه قرار می‌گیرد نه تاریخ سررسیدی که مورد نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است. به نظر می‌رسد که مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در نظر داشته که دارنده چک در همان تاریخ به بانک مراجعه کند و اگر پرداخت نشد، دادگاه گواهی عدم پرداخت را به عنوان سند اثبات مطالبه وجه در نظر بگیرد (نه تاریخ سررسیدی که با گواهی عدم پرداخت اختلاف زمانی دارد)، لذا نقطه شروع خسارت تأخیر تأدیه را باید با مطالبه طلبکار در نظر بگیریم.

دکتر قربان‌وند، رئیس شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م جدید در بحث خسارات، به‌طور کلی توافق طرفین را لحاظ می‌کند. در صورت توافق طرفین، کمتر یا بیشتر از آن چیزی که در قانون مشخص شده است را می‌توان تعیین کرد. قانون آ.د.م قدیم مبنا را حداکثر ۱۲ درصد لحاظ می‌کرد، اما الآن به میزان توافق طرفین وابسته است. پس اگر طرفین

درمورد خسارت تاخیر تأدیه یا سایر خسارات مندرج در قرارداد توافق کنند، توافق ملاک عمل خواهد بود (حتی اگر ارزش آن از نظر عرف بازار بیشتر یا کمتر باشد).

کنوانسیون یکنواخت بین‌المللی بحثی تحت عنوان «تعدیل خسارات» دارد که «اگر طرفین در قرارداد میزان خسارات را به نحوی تعیین کرده باشند که از نظر دادگاه منصفانه نباشد، دادگاه می‌تواند آن را کمتر یا بیشتر کند»، ولی در قانون ما این‌طور نیست. ماده ۲۳۰ قانون مدنی می‌گوید که: دادگاه می‌تواند تقسیط کند، اما نمی‌تواند به کمتر یا بیشتر از چیزی که طرفین در قرارداد پیش‌بینی کرده‌اند، تغییر دهد. در قانون آ.د.م جدید با توجه به ماده ۲۳۰ قانون مدنی و ماده ۷۲۵ قانون آ.د.م قدیم که ۱۲ درصد بود و با توجه به نظر فقهای شورای نگهبان (که زمانی خسارت تأخیر تأدیه را کلاً ممنوع اعلام می‌کردند)، افراط و تفریط شده است؛ به این معنی که توافق طرفین را به هر میزانی که باشد، پذیرفته است. بنابراین اگر طرفین در خسارت تأخیر تأدیه به هر میزان توافق داشته باشند دادگاه، موضوع را بررسی می‌کند. درمورد تاریخ مطالبه، قانون تجارت در ماده ۳۰۴ «ارسال وخواست» را ملاک قرار داده و درمورد چک، «گواهی عدم پرداخت». پس صرف وخواست - به عنوان اعلام اعتراض - بر عدم پرداخت کافی است. ابلاغ، ملاک نیست و فقط برای اطلاع است. فلذا اگر اظهارنامه‌ای وجود نداشته باشد، «تاریخ تقدیم دادخواست» تاریخ مطالبه محسوب می‌شود.

در رأی مورد نقد، تاریخ تقدیم دادخواست جنبه اعلامی دارد؛ یعنی رابطه طرفین را از لحاظ قراردادی بررسی می‌کند. طرفین براساس قرارداد می‌دانستند که بدهکارند یا خیر و تاریخ ارسال اظهارنامه تاریخ مطالبه است و تاریخ ابلاغ، ملاک نیست و خسارت تأخیر تأدیه از آن زمان (تاریخ ارسال اظهارنامه) محاسبه می‌شود. رأی دادگاه تجدیدنظر که تاریخ تقدیم دادخواست را ملاک قرار داده، به‌نظر صحیح می‌رسد.

آقای محمد عبدالصالح شاهنوش فروشانی، پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضاییه:

فلسفه وجودی ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید با آنچه که در مواد ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۳۰ و تلویحاً و ضمناً در ۲۲۶ قانون مدنی است، فرق دارد. در ماده ۵۲۲ قانون

آ.د.م جدید آمده: «در صورت تغییر شاخص سالانه قیمت». این نشان می‌دهد که فلسفه وجودی ماده اخیر اساساً بحث خسارت تأخیر در انجام تعهد نیست و «خسارت ناشی از کاهش ارزش پول» را می‌خواهد جبران کند؛ در حالی که در سایر مواد، بحث درمورد «خسارت ناشی از عدم انجام تعهد یا عدم انجام تعهد در زمان مقرر» است. اگر بین این دو تمایز قائل نشویم، چالش‌هایی در سیستم مسئولیت مدنی و خسارت تأخیر تأدیه و خسارت ناشی از نقض قرارداد پیش می‌آید. متأسفانه در نحوه نگارش ماده ۵۲۲ ق.آ.م. هم به این نکته توجه نشده است.

دکتر احمد بیگی، مشاور رئیس قوه قضاییه:

درمورد ماهیت وجهی که در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید اضافه بر میزان اصلی دین پرداخت می‌شود، سه نظر وجود دارد:

۱. این همان «خسارت تأخیر تأدیه» است، چون داین مطالبه کرده و مدیون پرداخت نکرده، خسارتی به داین وارد شده که مدیون باید آن را بپردازد. بنابراین اگر داین مطالبه نکرد، قاعده اقدام بر او جاری است و تا زمانی که داین مطالبه نکرده، فعلاً خسارتی هم بر عهده مدیون نیست.

۲. به نظر بعضی از فقها این مبلغ، همان «مجازات و جریمه» است؛ یعنی اضافه‌ای است که باید به عنوان مجازات پرداخت شود، زیرا مدیون «متمکن از پرداخت بوده» ولی معصیتاً پرداخت نکرده است. اگر او متمکن نباشد، وقتی داین مطالبه می‌کند، معصیتی هم مرتکب نمی‌شود و سوءنیتی متصور نیست، اما اگر متمکن از پرداخت باشد و پرداخت نکرده باشد، سوءنیت دارد و معصیت کار است؛ در نتیجه مجازات می‌شود و مجازاتش این است که مبلغ اضافه‌ای را بپردازد. در این حالت هم وقتی مطالبه صورت بگیرد، بحث سوءنیت داین در عدم پرداخت و معصیت و مجازات پیش می‌آید.

۳. نظر دیگر، آنچه بر عهده یا ذمه شخص است را همان «ارزش وجه به نرخ روز» یا «قدرت خرید» می‌داند که در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید هم به نحوی به آن اشاره شده است. اموالی که مورد معامله واقع می‌شوند، دو نوع هستند: یا عین معین یا کلی. درمورد «عین معین»، افراد آن را می‌بینند یا اوصافش گفته می‌شود و مورد معامله قرار می‌گیرد، اما درمورد «اموال کلی»

چون شیء ای وجود ندارد، آنچه که مورد معامله قرار می‌گیرد، تصویری است که طرفین از یک شیء خارجی در ذهن فرض می‌کنند. به همین دلیل باید اوصاف و ویژگی‌های مورد معامله را که در ارتباط با بیع کلی وجود دارد بیان کنند، وگرنه معامله باطل است. در مورد پول:

اولاً: آنچه در ذمه قرار می‌گیرد، عدد یا ریالی که طرفین مورد معامله قرار می‌دهند نیست، زیرا این یک امر اعتباری است و نمی‌تواند در ذمه قرار بگیرد، بلکه قدرت خرید و ارزش اعتباری پول است و طرفین با فرض اینکه این پول در زمان قرارداد ارزش مشخصی دارد، معامله را انجام می‌دهند. اگر قدرت خرید ملاک در نظر گرفته شود، بحث تفکیک بین اصل دین و مبلغ زاید تصور نمی‌شود و اگر مدیون براساس شاخص بانک مرکزی مابه‌التفاوت را بپردازد، این تفاوت مبلغ اضافه‌ای نیست و در واقع همان پولی است که باید پرداخت می‌شده. با پذیرش این موضوع بحث مطالبه حل می‌شود، زیرا در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید به این مبلغ به عنوان «خسارت» اشاره نشده است.

ثانیاً: اگر تفسیر این باشد که «مطالبه» ملاک عمل است، عبارت «از زمان سررسید تا هنگام پرداخت» دچار اشکال می‌شود و باید گفت «از زمان مطالبه»، نه از زمان سررسید.

ثالثاً: در متن قانون به ارزش پول توجه شده، نه اینکه یک خسارت زاید بر دین اصلی مورد نظر باشد. از طرف دیگر بحث تمکن مطرح شده است. با وجود این اگر قاضی ببیند که شخص تمکن ندارد و به او مهلت دهد، این موجب نمی‌شود که میزان مسئولیت او کاهش بیابد. بنابراین تمکن یا عدم تمکن اصلاً در این ماجرا دخالتی ندارد. در مجموع به نظر می‌رسد که مطالبه ملاک نباشد و مبلغ مورد نظر ماده ۵۲۲ نیز زاید بر مبلغ اصلی تلقی نمی‌شود.

آقای آروین، رئیس شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

به عقیده من هرکدام از این دو نظر در شرایط خودش درست است. در صورتی که در قرارداد برای مدیون اجلی تعیین شده باشد (مثل چک) باید براساس سررسید عمل شود در غیر این صورت، زمان مطالبه ملاک قرار می‌گیرد.

آقای فرهد، رئیس شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

مطالبه خسارت، یا وجه نقد است یا مال غیرمنقول دیگر. زمان مطالبه در مورد وجه نقد دو نوع است:

الف) در زمان عقد قرارداد بین طرفین، زمانی برای اجرای عقد تعیین می‌شود؛ به این صورت که دو طرف وجهی را رد و بدل کرده‌اند و قرار گذاشته‌اند که مدیون در تاریخ مشخص وجه را بپردازد، در غیر این صورت داین روزانه خسارت بدهد. اگر شرایط قرارداد برای تعیین خسارت برخلاف قوانین نباشد، باید اول آن را مدنظر قرار دهیم، اما اگر آن را برخلاف قوانین تشخیص دادیم، باید براساس نرخ تورم محاسبه کنیم.

ب) مطالبه به وسیله اظهارنامه و زمان تقدیم دادخواست

به نظر من باید یا تاریخ اظهارنامه یا تاریخ تقدیم دادخواست را مدنظر قرار داد.

دکتر جمشیدی، رئیس شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

من از دو منظر نگاه می‌کنم:

۱- فلسفه قانون‌گذاری: ماده ۷۲۱ تا ۷۲۶ قانون آ.د.م قدیم بحث «خسارت تاخیر تأدیه» را مطرح کرده که شورای نگهبان آن را غیرشرعی اعلام کرد. بحث قانون مطالبات خارجی، بانک‌ها و چک مطرح گردید و در نهایت ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید تصویب شد. با این حال، برای شورای نگهبان در مورد خسارت شبهه شرعی وجود داشت. از طرف دیگر ما با مکانیسم وضعیت موجود اقتصادی مواجه بودیم و باید تعیین تکلیف می‌شد. فلسفه ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید، اضطرار است و به این لحاظ، قانون‌گذار ماده ۵۲۲ را (با در نظر داشتن همان شبهه شرعی) با ۶ شرط قرار می‌دهد. با این شروط، به نظر می‌آید که قانون‌گذار اصلاً می‌خواهد موضوع ماده ۵۲۲ ثابت نشود. به همین خاطر می‌بینیم که حتی برخلاف اصل (ملائت) بحث می‌کند، زیرا می‌گوید: باید تمکن احراز شود. بنابراین در تفسیر این قانون باید در نظر داشت که قانون‌گذار شرط‌های متعددی قرار می‌دهد و می‌خواهد مسأله ثابت نشود و در نهایت می‌گوید: باید اصل مبلغ پرداخت شود و بعد، باید نرخ کاهش را از تاریخ سررسید تا تاریخ پرداخت محاسبه کرد و اگر قاضی تشخیص داد

این نرخ فاحش است، رأی بدهد؛ یعنی همه آیتم‌ها به صورتی است که برای ما احراز می‌کند قانون گذار می‌خواهد به قدر متیقن و اقتضا و مضیق تفسیر موضوع کند. با این نگاه و فلسفه‌ای که قانون گذار مطرح می‌کند، به عقیده من «تاریخ تقدیم دادخواست» باید ملاک قرار گیرد.

۲- منطوق قضیه: سررسید در واقع مطالبه نیست، بلکه توافق بر تاریخی مشخص به عنوان اجل برای پرداخت دین است. مطالبه مسبوق به سررسید است و به عبارتی از تاریخ سررسید حق مطالبه وجود دارد. دیگر اینکه واژه «سررسید» در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید، از باب احراز تغییر فاحش شاخص قیمت‌ها مد نظر قانون گذار بوده، بنابراین واژه سررسید نمی‌تواند برای تاریخ مطالبه مستمسک باشد.

آقای عبدالرضا مرادی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

اشاره من راجع به ماهیت این موضوع با مدنظر قرار دادن مفاد ماده ۲۲۷ قانون مدنی است. ملاحظه شود که بین «خسارت تاخیر تأدیه»، «کاهش ارزش پول» و «ربا» تفاوت وجود دارد؛ هرچند برخی از فقها مثل حضرت امام (ره) «خسارت تاخیر تأدیه» را ربا تلقی و به طور مطلق رد کرده‌اند. فقهای شورای نگهبان در خصوص «خسارت تاخیر تأدیه» در اوایل انقلاب - براساس نظر حضرت امام (ره) - آن را شرعی نمی‌دانستند، اما در قسمت آخر تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م جدید اشاره می‌کند که: «خسارت تاخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه است». موارد قانونی خسارت تاخیر تأدیه در مورد چک و تخلیه و بارگیری کشتی‌هاست که در آنجا قانون صراحت دارد در چنین مواردی اگر تأخیر شد، می‌توان خسارت تاخیر را مطالبه کرد.

سؤال اینکه: «اگر شاخص بانک مرکزی در نرخ تورم از تاریخ مطالبه تا تاریخ پرداخت ثابت بود و هیچ تغییری نکرد، آیا می‌توان حکم به پرداخت خسارت صادر کرد؟ و اگر نرخ تورم سیر نزولی داشت، آیا می‌توان گفت که باید مبلغی به عنوان وجه اضافه پرداخت شود؟» پس در واقع در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید ذکری از خسارت تاخیر تأدیه نمی‌کند و در واقع همان مطلب «کاهش ارزش پول» است. البته رویه سراسری در کشور این است که

ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید را ماده قانونی برای پرداخت «خسارت تاخیر تأدیه» تلقی گردد، ولی واقع امر این است که برخی از حقوق دانان مشهور مثل دکتر کاتوزیان و دکتر شهیدی هم به این مطلب به عنوان «خسارت کاهش ارزش پول» اشاره داشته‌اند. در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید (که به تاریخ سررسید اشاره کرده) گفته: اگر فرضاً تاریخ سررسید مشخص باشد و تاریخ مطالبه دو ماه بعد باشد و داین از تاریخ سررسید مطالبه کرد، در اینجا باید تاریخ سررسید را ملاک قرار داد، چون او از تاریخ سررسید درخواست یا مطالبه کرده است. از آنجاکه در قانون هم تاریخ سررسید صراحت دارد، ملاک و معیار باید آن تاریخ باشد.

آقای حسینی دستجردی، رئیس شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

بحث در مورد «اسناد عادی» است. پرونده‌های جریانی در بحث دین دو نوع هستند:

۱- اثبات دین: اگر در یک پرونده، موضوع، اثبات دین باشد نه بحث سررسید وجود دارد و نه بحث زمان دادخواست؛ و بعد از صدور رأی قطعی درباره مدیون بودن یک شخص، «تاریخ صدور رأی» مبنای خسارت قرار می‌گیرد.

۲- مطالبه دین محقق: حالتی است که هر دو طرف توافق دارند که خوانده به خواهان بدهکار است (که موضوع پرونده‌های این جلسه است). در اینجا ما با دو نظر مواجهیم:

اول) نظر سنتی فقهی: ده سال قبل ۱۰ میلیون تومان داده شده و امروز حتی یک تومان بیشتر از این مبلغ هم، ربا است.

دوم) نظر مبتنی بر توافق طرفین: طرفین توافق، بر ۵۰ درصد توافق کردند. سؤال اینکه «مگر در ربا توافق وجود ندارد؟»

این دو نظریه متفاوت فاصله زیادی از هم داشتند، لذا قانون گذار در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید عالمانه و آگاهانه این دو نظر را آشتی داد: اول گفته است: «در دعاوی‌ای که موضوع آن دین است»، تعریف باید شامل افراد و مانع اغیار باشد. بنابراین افراد (دین) را تحت پوشش خود قرار می‌دهد و اغیار (طلبکاران عین، خانه یا مال غیرمنقول) را از شمول خود خارج می‌کند و صراحتاً از «پول» - که هر روز از

ارزش آن کاسته می‌شود - بحث می‌کند: «از نوع وجه رایج بوده باشد، با مطالبه داین»، اما وقتی داین مطالبه نکرده، خود علیه خود اقدام کرده است.

بنابراین تاریخ دادخواست باید ملاک قرار گیرد.

آقای مؤمنی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

من با رأی دادگاه تجدیدنظر مخالفم، به این دلیل که بین دین ناشی از چک با دین ناشی از غیر چک (سند عادی) هیچ فرقی نیست و دین ناشی از چک هیچ خصوصیت متفاوتی نسبت به سایر دیون ندارد و آن ماده‌واحد در مقام «تفسیر» است. بنابراین بعد از اینکه دین ثابت شد، در معیار ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید می‌گنجد؛ چه ناشی از چک باشد، چه مهریه و چه غیر از آن.

بحث بعدی «شرعی بودن» است. شارع در یک چرخش تاکتیکی با تصویب ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید به تمام مباحث و شبهاتی که ناشی از این مسأله بود پاسخ و خاتمه داد. اگر عنوان را «تفاوت شاخص ارزش پول» تعریف کرد، هیچ توجیهی وجود ندارد که «خسارت تأخیر تأدیه» محسوب شود. بنابراین در شرعی بودن آن هم شبهه‌ای نیست.

در مورد «مطالبه»، در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید دو بار واژه‌ی مطالبه تکرار شده که مطالبه‌ی اول با مطالبه‌ی دوم کمی تفاوت دارد. در مطالبه دوم، منظور قانون‌گذار «مطالبه در دادخواست» است. از آنجا که مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی در دادرسی‌های حقوقی دادگاه تابع خواسته خواهان است و تا زمانی که موضوعی را خواهان مطالبه نکند دادگاه حقوقی حق ورود ندارد، پس مقصود از مطالبه دوم، این است که خواهان در دادخواست حتماً خسارت یا تفاوت ارزش پول را مطالبه کرده باشد. مطالبه در دادخواست است نه مطالبه قبل از دادخواست یا سررسید؛ در غیر این صورت دادگاه آن را مورد حکم قرار نمی‌دهد.

در مورد «اظهارنامه و دادخواست»، در ماده ۷۱۱ قانون آ.د.م سابق، قانون‌گذار به اظهارنامه موضوعیت داده و گفته بود: «حتماً مطالبه شده باشد». بر این اساس دادگاه تاریخ اظهارنامه را برای مبدأ محاسبه «خسارت تأخیر تأدیه» ملاک قرار می‌داد. قانون‌گذار در قانون سال ۷۹ ین موضوع را حذف کرد. بنابراین اظهارنامه موضوعیت ندارد. به هر شکلی که مدعی اثبات کند که دین را قبلاً از

مدیون مطالبه کرده و مدیون (با وجودی که متمکن بوده) امتناع کرده، داین می‌تواند بحث تفاوت ارزش پول را از تاریخ مطالبه بخواهد.

آقای کیاستی، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

بین بحث «ایجاد حق» و «امکان اعمال حق» باید قائل به تفصیل شد. با مذاقه در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م به راحتی می‌توان متوجه این موضوع شد. بنده از دو جنبه بحث را مطرح می‌کنم:

۱- بحث لفظی: قانون‌گذار برای اینکه امکان ایجاد حق «خسارت تأخیر تأدیه» به وجود بیاید، ۶ شرط گذاشته است. ۵ شرط اول ایجاد و وجودی هستند؛ یعنی اگر نباشند، اصل حق زایل می‌شود. دلیل تعیین شروط این است که امری استثنایی است و در فقه با ایراد مواجه است، اما شرط انتهایی (پس از مطالبه طلبکار)، ایجاد است و هر موقع که مطالبه کند، می‌تواند حقتش را اعمال بکند؛ یعنی در میزان حق تغییر به وجود می‌آید نه اصل حق، لذا با مطالبه، «از زمان مطالبه» و بدون مطالبه، «از تاریخ سررسید» در نظر گرفته می‌شود.

۲- بحث عقلی: عنوان می‌شود که: «در صورتی که تغییر شاخص از زمان سررسید تا هنگام پرداخت فاحش باشد، باید حق (خسارت تأخیر تأدیه) را قائل شد و پرداخت». در این پرونده، از سال ۸۰ (تاریخ سررسید) تا سال ۸۴ (تاریخ پرداخت) تغییر شاخص فاحش بوده است، اما از تاریخ مطالبه تا تاریخ صدور حکم پرداخت، ۳ ماه طول کشیده است. این سه ماه اتفاقاً در یک سال شمسی است و اصلاً شاخصی مطرح نیست (که به بحث فاحش بودن یا نبودن پرداخته شود). آیا در این صورت باید قائل به این شد که داین امکان مطالبه حقتش را ندارد (با این فرض که طلب کردن شرط وجودی است)؟ همه می‌گویند که چنین حقی دارد. از اینجا هم به این نتیجه می‌رسیم که مطالبه شرط ایجاد است. مثل سایر حقوق که تا دادخواست ارائه نشود، امکان مطالبه حق وجود ندارد.

آقای معنوی، رئیس شعبه ۴۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران:

در ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م جدید گفته شده که «مطالبه» باید صورت بگیرد و نگفته که تاریخ «مطالبه» ملاک است - مگر اینکه توجیه آن را از خارج این ماده

بیاوریم - و نوشته اگر کسی تفاوت قیمت را می‌خواهد، باید از «تاریخ سررسید» مطالبه بکند. براساس این ماده نمی‌شود تاریخ مطالبه را ملاک قرار داد.

نتیجه رای گیری:

اکثریت حضار با تاریخ سررسید به عنوان ملاک محاسبه کاهش ارزش پول موافق هستند و آن را مدنظر قانونگذار می‌دانند.

